

بر دلتك و قریب التلقط است نه كاً و شاگرد همت ساله هم بخوبی میتواند
آرا ادراك كند

وقتی نما صد این طریقه را احد کسند لازم نیست حتماً بترتیب
حروف الفبا تدریس شود ترتیب حروف الفبا ارتناً ما رسیده و در وقتیکه
این ترتیب اتّحاد شده در فکر سهولت تدریس بوده اند ممکن است حروف
را بر حسب شکل از هم جدا کرد یعنی مثلاً حروف دایره دار را از قبیل
ح ح ع ح ع ع با س س ص ص ل ن در یکجا بنا گرد آموخت حروف
کشیده یعنی ن پ ت ی ک گ در یکجا حروف مفصله یعنی ا د در
ر ز و در یکجا و قس علی هذا

در باب اعراب عوص صدای بالا و صدای نائین و صدای وسط یا
ر ز و ز و دس ناند گفت آ را ا هم چنین عوص صدای الی و صدای
یائی و صدای واوی ناند گفت آ ای او

بعقیده ما مبرز بترتیب آست که ابتداء دوسه حرف و دوسه
اعراب بنا گرد آموخته شود و بعد با همین چند حرف و اعراب کلماتی که
طغّل میداند بکس نمود مثلاً اب آ آ م ی د را ناد مندهند بعد کلمه نا نا
را درس میکنند - سپس کلمه آمد را آ بوقت جمله نا نا آمد را شاگرد
مخوبی میخواهد و از خواندن آن حقه حقه خطّ و لذب مدرّد همسطور کلمه
آب و حواء آب آمد را الی آخر

همین شکل ناند حروف دیگر را با اعراب و حرکات دیگر آموخت
و همیشه در نظر داشت که بواسطه خواندن شاگرد جوانا میشود و شب

اسامی حُرُوفِ الْيَمِينِ را میبرد و در ترکیب و محرابه
 حروف و اصوات همدشه آنها را باسم ذکر میکند
 طریقه اسمی
 مثلاً کلمه کاعد را اینطور همی میکند کاف
 تصدای الی = کا ع تصدای نالا = ع دال تصدای حرمی = عد
 کاعد یا کاف الف = کا عین و دال ریر = عد کاعد

این طریقه از قدیم در ارباب مرسوم بوده و به نحوچه طبیعی نیست
 هیچ وقت طفل همت ساله نمیتواند ادراک کند که چطور کاف تصدای الی
 کا میشود و نسه حروف شاگرد را گنج میکند که مینسد اجراء ترکیب نا
 صولی که بعد صدا میشود تکلی مناسب است و ساگرد کلاس اول مدرسه
 ابتدائی به نحوچه قادر نیست ادراک کند که عین تصدای نالا میشود ع
 ریرا که هنجگونه وحه اشراک و شاهی بین عین و ع نسد و اگر می نسد
 ساگردان حرد سال ناد مگیرند و تندند مگوسند تصور نکسد که ار
 حویی طریقه اسمی است بلکه در تنحه رحاب و مشقت رباد طوطی وار
 حفظ میکند و نس مدهند و نس از مدت مدیدی ممارست بالاحره
 یاد مگیرند

وقتی که اصوات حروف را استعمال کند یعنی فقط
 زبر حروف را نام ببرد طریقه صوتی را نکار
 طریقه صوتی
 برده اند برای محرابه کلمه کاعد مگوسند ک آ =
 کا - ع ا = ع - د = عد کاعد

این طریقه خیلی هر و طبیعی تر از طریقه اسمی است کی آحلی

درینو تدریس چون بر حسب عقیده ای که دیلاً اظهار
 نوع خط خواهد شد باید خواندن نوشتن را توأماً آموخت
 مگر ما باید خطّ نسخ را ناد داد زیرا که نوشتن
 آن آسان تر است خطّ نسخ مرتّب است از یک عده خطوط مستقیم و
 روانای قائمه و ترسم خطّ مستقیم برای طفل مبتدی عرانب سهلتر است از
 ترسم خطوط کج و چوله ای که خطّ نستعلیق را تشکیل میدهد و بیشتر
 شایسته نقاشی دارد

همانطور که در فوق اشاره شد بدلائلی که ذکر
 خواندن و نوشتن میشود باید خواندن و نوشتن را توأماً آموخت
 اولاً متحرکه نامت شده وقتی که شاگرد خواندن و
 نوشتن را در آن واحد آموخت رود تر و بهر ترقی میکند و رجب معلم
 در آموختن آن دو هر کمر است

بنا بر این چگونگی شاگرد گاهی میخواهد و زمانی میشود در کارش تنوع
 پیدا میشود و حسگش کمر میگردد

ناائنا شاگرد از نوشتن خطّ خطّ مجرد و اعتماد بخود پیدا میکند زیرا
 که میکند حروف را وقتی سهلوی هم گذارد سایرین آن چیزی را که او
 در دماغ حوس حال کرده است میخواهد ندیده اند که شاگردان چند
 حشود میشوند که اسم خود را روی کاعد بنویسند

رابعاً معروفه التمس نام میکند که طفل احصای حرکت دارد و مع
 او از حرکت موجب نقص در برورس او میشود در وقت نوشتن طفل حرکت

سر هم درس دادن حروف الفبا غیر از خسته کردن طفل فایده ای ندارد
 برای مبتدی درس فرائد باید جمعی باشد و برای
 درس قرائت این کار معلم دو وسیله دارد یکی نخته ساه - یکی
 تابلو های مخصوصی که فرنگیان برای الفبای خود
 درست کرده اند و در روی آن حروف الفبا و کلمات مصطلحه عمومی و عادی
 محیط درست رسم شده دو نوع فایده میشود از نخته ساه و تابلو های الفبا
 رد اول آنکه معلم حرفی را در روی نخته ساه نشان میدهد و شکل آنرا
 خاطر نشان میکند بعد وا میدارد اسم آنرا صحیحاً بگوید تا با اسم
 حرف را خودش بخرد و وا میدارد تا گرد روی نخته با تابلو نشان دهد
 عیناً همین کار را باید با کلمات ساده کوچک که از حروف خوانده شده
 مرگب باشد کرد وقتی چند کلمه را خوب توانستند بخوانند باید آنها را
 بهلوی هم گذارد و حتی درس کرد که معنی داشته باشد و معنای آنرا
 ساگرد بپیمد، همین جهت است که تمام کلماتی که در ابتدا بشاگرد گفته
 میشود باید عادی و متعارفی و مربوط زندگی اطفال باشد

وقتی هر يك از ساگردان علی حده يك کلمه یا يك جمله را بطریقی
 که ذکر شد خوانند باید با هم بطور جمعی بخوانند

در ابتدای هر درسی باید هر چه در درس قبل خوانده شده تکرار کرد
 برای اینکه تا کمال اطمینان ساگرد حلوبرود در ضمن درس هم چنانکه بدروس
 ما قبل مراجعه شود شفا خواهد بود و حرب الملل عربی که **الندوس**
حرف و الکر از آلف در مورد کلاس اول پس از سایر موارد صادق است

که برای وقف و حتم مقرر شده است از قبیل نقطه و میتر و خط فاصله برای او طبعی خواهد بود

درای اینکه قراءت تا اگر در صریح و واضح باشد نماند کلمات را يك يك شنید و صحیحاً تلفظ کند و به حوق آسها را مبهم و ریز رانی ادا نکند هر صحن قراءت آموزگار باید دقت کند معانی که بعضی شاکردان در تلفظ کردن دارند رفع کند از قبیل لکب و گرفتن رنان، لهجه های محلی مانند لهجه کاسانی و بردی و اصفهانی، بالأحره بلاغت و فی حاصل است که آهنگ و نسب و بلندی صدا و فشار و آرد بر روی بعضی از کلمات افکار و احساسات بوسنده را بمانان کند و بشوینده را بر طبق اقتضا هر حناک یا حرین سازد یا مهجان در آورد برای اینکه شاگرد با بلاغت بخواند باید قبلاً معتاد باشد که با اطمینان و صراحت قراءت نماید وقتی این عادت برای او پیدا شد معلم باید وادار کند آهنگ خود را تعدد دهد بطوری که از وضع خواندن افکار و احساسات بوسنده ظاهر شود بدیهی است که شاگرد این مهارت و صعب را در صورتی پیدا میکند که هر چه میخواهد بگوید و حس کند سایر بر این به فقط باستی کتابی که بدست او داده شده مطابق قوه و فهم او باشد بلکه متنی که با بلاغت باشد قراءت کند قبلاً برای او تفسیر و تشریح شده باشد

ار همان سال اول مدرسه ابتدائی هر حکایت که شاگرد	قراءت را بوجه
مخواند و هر کتاب فارسی که حلوا او میگذارد	بمعنی و مقصود
باید قابل فهم او باشد و نباید لغات آن را در آتش	

میکنند، دستش در حرکت است، پس چون بر طبق حاجت او رفتار میشود
مصداسب و تسخهٔ خوب حاصل میشود

اولین کتاب
قرائت

اولین کتاب که بدست مبتدی داده میشود باید
مطابق قوهٔ فهم و ذوق طفل باشد یعنی نالذخاوی
حکایات بسیار سادهٔ کوچکی و شریب و افسانه‌های

مختصر و خوش مره باشد بطوری که طفل طبعاً مایل به کتاب بخواند
چاپ کتاب باید خیلی خوب و از روی سلیقه باشد و کلمات باید محوط
درست و حای نوشته شده باشد در صفحات اول لا اقل کلمات باید از هم
جدا باشد هر قدر هم ممکن است باید تصاویر قشنگ در کتاب گنجانده‌ولی
صورتهائی که مربوط به متن و کلمات و حمل کتاب باشد

چنانکه پروگرام را ملاحظه کنید متوجه میشوید که در
روان خوانی تمام کلاسهای مدارس ابتدائی و متوسطه ساگرد

باید قطعات نظم و نثر بخواند برای آنکه قطعاتی
را ساگرد روان و خوب صدای بلند بخواند تا بدست در قرائت او
جمع باشد اطمینان، صراحت، بلاغت

شاگرد در صورتی با اطمینان قرائت میکند که بدون تردید و بدون تکرار
کلمات جمله‌ها را مسلسل بخواند در موقع قرائت معام باید مراقب کند
که شاگرد تنهٔ خود را راست نگاهدارد و دندانه‌ها را بهم نچسباند تا آنکه
صدانش درست خارج شود و در آخر هر جمله نتواند نفس نکشد و قوت
شاگرد درست نفس کشند آهسته خواهد خواند و رعایت علامات سجاوندی

خواندن و آهنگ صدا معنای متن را حدس زده اند گفتار معلم هر قدر هم مختصر باشد و با سرعت صورت گیرد شاگرد استفاده میکند

همسکه اس قسمت انجام یافت معلم یکی از شاگردان را باید وادار کند که بخواند و چنانچه در قسمت یا جمله ای لغات مشکل یا اصطلاح سخت یا عبارات محمل دند در آخر آن قسمت یا جمله شاگرد را نگاه ندارد و آنها را بیان کند بدین اس بنایات مرور نماید ساده و مختصر باشد تا اینکه در درس فارسی مثل بنرس دیگر نشود و موضوع درس تغییر نکند و البته هر قدر قوای شاگرد زیاد تر میشود یعنی هر قدر تکالیف بالتر میرود بهتر میتواند بی بافکار نویسنده برود و از کلاس بنجم و بعد متن کتاب قراءت مخصوصاً قطعات منتخب از کتب نویسندگان بزرگ ماند بطور عمقیر مورد دقت واقع شود شاگرد را باید کم کم عادی داد خیالاتی که در یک صفحه بیان شده از هم تفکیک کند و اهمیت هر یک را نشان دهد و عقیده خود را بسب بافکار و احساسات مؤلف اظهار کند البته اسکار مستلزم آست که معلم قبلاً درس را خوب مطالعه و حاضر کرده باشد ولی قوای که اس نوع درس از حسب پرورش قوای شاگرد مخصوصاً قوه استدلال و قوه تخریه دارد رجب معلم را حیران میکند

در دوره اول مدارس متوسطه که بها قطعات منتخبه نظم و نثر برای قراءت در پروگرام معین شده و قوای محصل هم تا حدی نمو کرده اس باید بطور منسوط متن را بیان و تفسیر کرد معلم باید شاگردان را راهنمایی کند که اگر فکر اساسی و مهم یک قطعه را احداث نموده آن را گوشزد کند

تفسیر کنند و مقصود نویسنده را بیان نمایند در پروگرام رسمی مدارس ابتدائی بواسطه کثرت مواد ارسال سوم سالاً قسمتی از کلمات جغرافیا و تاریخ و تعلیمات مدنی را بدر حد صحن تدریس فارسی منظور داشته اند و بنا بر این معلم باید علاوه بر گفتن معانی افعال مشکل موضوع را بدر برای شاگردان شرح دهد و با نقشه و عکس و شکلی که روی تخته سیاه میکشد اصطلاحات لازم را بیان کند

در ایران اغلب شنیده میشود که معلمین چنانچه میخواهند درس فارسی را بطوریکه نماند و شاید معنی و تفسیر کنند تمام ساعت درس صرف این کار میشود و دیگر وقتی برای خواندن و پس دادن درس باقی نماند این عقیده را اصلاحی شده است که کتب دستاویز فارسی ما اغلب برای عرص هر و اظهار فصل مؤلف تدوین شده و بر است از کلمات معلق و حمل مشکل و موضوعات دشوار چنانچه کتاب برای شاگرد و در طبق فهم و احتیاج او نوشته شده باشد قطعاً وقت برای همه چیز کافی خواهد بود

عموماً ترتیب تدریس فارسی در متن کلاس ابتدائی محکمت قرار دیند باشد

بدواً باید معلم صدای بلند مانی را که مدعو خواهد تدریس کند بخواند و هر جا که لازم است صدا را بس و بلند کند، تأمل کند، توقف نماید و باس ترتیب خود در برای شاگردان سر مشق بسود سپس بطور سریع مقصود و مفهوم متن را بگوید چون شاگردان در ضمن قرائت معلم از طرز

۲ - کتابت و مشق خط

پروگرام رسمی

سال اول -

نوشتن حروف و کلمات و عبارات مأخوذه از دروس بطریق رو نویسی

سال دوم -

عبارات و حکایات خوانده شده بطریق رو نویسی و غیره ، جمله های ساده
از خارج

سال سوم -

مطالب ساده از خارج و تصحیح آنها ، انشاء و موضوعات سهل و آسان ،
تسطیق درشت

سال چهارم -

عبارات مختلفه از خارج ، انشاء موضوعات ساده ، مشق درشت و ریزه

سال پنجم و ششم -

مشق درشت و ریز (تحریر)

دوره اول متوسطه -

هفته ای یک ساعت مشق خط

کتاب برای شاگرد وسیله تسار عالی است برای

اهمیت کتاب درسی او زیرا که برای نوشتن انسان فکر میکند

حواس خود را جمع میکند ، خیالات خود را روشن

معانی صحیح و صریح لغات را بگوید تا شاگرد لطافت و قشنگی قطعه را حس کند، قطعه‌ای که موضوع درس است، با قلم و ما بعد آن از کتابی که احدی سده مربوط سارد، در صورت اقتضا سمه‌ای از حال نویسنده قطعه و اسامی کتبی که نوشته‌شان باشد، چنانچه در قطعه مربوط صحبت از شخص تاریخی یا قصه‌های تاریخی شود مختصری از آنها ذکر کند، هر جا که جمله طولی با عبارات محملی پیدا شد مستدا و خبر را تسخیر دهد و تنیده خود را راجع بافکار نویسنده بگوید و بالاخره تمام قطعه را در چند سطری مختصر کند



رعایت کند

اشکالات کلمات و مشق حطّ مربوط است بقراءت
اصول مهمّ تعلیم حطّ و همان اصولی که در قراءت اتّحاد شده باید در
کلمات و مشق حطّ سر اتّحاد گردد

اصل کلی آنست که ابتدا حروف را از حیث آسانی و دشواری و
شکل طبقه بندی کرده باین ترتیب اشکال را بتدریج جلو شاگرد بیاورید
وقتی شاگردان حروف را توانستند بخوبی بنویسند باندکلبانی ترکیب کنند
که آنها برار سهل بمشکل رود

اصل دیگر آنست که باید دست شاگرد را قوّت داد و چشماش را
معتاد کرد بر مور نوشتن بدیهی است برای این مقصد باید در ابتدا مطلقاً حطّ
درشت را تعلیم داد زیرا که حطّ هر قدر درشت باشد شکل حروف
بهر تشریح میشود و شاگرد بهمینتواند حرکات آنرا ببیند و بفهمد مسلم
است که حطّ درشت فقط وسیله است برای تعلیم حطّ و حوش حطّ
کردن و همینکه دست شاگرد قوّت گرفت و انگشتانش نرم شد و ارکانات
مشق حطّ آگاه گردید همانطور که در پروگرام هم معنی شده ارسال چهارم
سالاً بتوان حطّ بر را شاگرد آموخت

اصل سوم مراقبت و مواظبت همدشگی است در تکلیف شاگرد معلم
یا مشاق نباید فقط صفحه مشق را مورد توجّح قرار دهد بلکه کلمه
چیزهایی که شاگرد بنویسد مثلاً دیکته و انشاء و صورت مسأله و غیره را
بدر باید رسیدگی کند و از حدت حطّ بنیید آیا تعلیماتی که شاگرد داده

منسارد، بعد آن فکر را نقالب لفظ در می آورد و بوسیله کلماتی آنرا ادا
 میماند و بالأحره آن کلمات را روی کاعدمی آورد، این دورس برای قوای
 باطنی فوق العاده مفید و بلکه ضروری است

از لحاظ اجتماعی کلمات یکی از لوازم زندگی است زیرا که بهترین
 وسیله برای نشر افکار و احساسات انسان است چه در صفا و چه در زمان
 اگر کلمات نبود اشعار فردوسی و افکار سقراط چگونه میسر میسرند؟

ندبیهی است که نوشتن با هر خطی و هر نحوی که
 مستحق خط نوشتن آنند کافی نیست باید نسا کرد باد داد خوب
 نویسد یعنی خطس واضح و قشنگ و خوانا و بناچاره
 کفایت درشت باشد در این خط خوب همیشه یکی از کمالات بوده و بحسب خط
 اهمیت بسیار میدادند در نتیجه همین توجه مردم و امراء و پادشاهان اشخاص
 بزرگ مانند مرعماد قزوینی بوجود آمده اند که مآثر آنها باعث افتخار
 ماست امسوس که در سوانت احیره در این قسمت عملت شده است و همین
 جهت از سال تحصیلی ۱۳۰۱-۱۳۰۲ در این معارف مشق خط را که
 تا آنوقت جزء دروگرام متوسطه بود در دوره اول متوسطه منظور داشته
 است باید تصور کرد که خوش نویسی صنعتی است که فقط عده قلیلی از
 شاگردان موفق بدان آموخته میشوند خط خوب را هر شاگردی ممکن
 است دارا شود مسروط بر آنکه معام عاشاق عزم خود را حرم کند که
 شاگردان خوش خط شوند برای این کار اولاً باید با ترتیب و اسلوب
 صحیحی تعلیم دهد و با مراقبت دائمی داشته باشد که تعالمتش را بنا کرد

سرمشق خصوصی شروع میکند نوشتن

سرمشق خصوصی سرمشقی است که مشاق در دفتر شاگرد یا در روی صفحه کاعد میدهد و شاگرد از روی آن می‌نویسد اگر عده شاگردان کم باشد و مشاق بتواند برای هر یک سرمشق علی حده‌ای بنویسد هم المطلوب و الا ناند سرمشقه‌های گراوور شده یا چاپی شاگرد داد

در رنگ برای مشق خط سرمشقه‌های گراوور شده بسیار مطبوع برای مدارس تهیه شده ولی در ایران یکی دو مرتبه در آن راه قدم برداشته اند و بواسطه نردن سودرها عموده اند، دفتر و سرمشقی هم برای مصری عمومی معلمین طبع رسیده است سرمشق خصوصی خوب ریر دست شاگرد است تا سانی میتواند از روی آن بنویسد و چون از حست در مشق و زبری خطی که می‌نویسد مساوی با خط سرمشق است سرمشق برای او حقیقه راهمائی خوب است نکته مهمتی که در اینجا ناند رعایت کرد اینست که شاگرد تمامی سطوری که می‌نویسد از روی سرمشق نگاه کند نه اینکه تدریج که از خط سرمشق باین می‌آید از خط خود تقلید کند و خط خود را سرمشق قرار دهد

برای تعلیم خط دو وسیله موجود است یکی پر کردن حروفی که بطور نقطه چین در دفاتر خصوصی چاپ شده تا پر کردن حروفی که نامرنگ بسیار کم رنگ

وسایل
تعلیم خط

طبع رسانده اند و سله دوم تقاید از سرمشق است در اروپا انواع واقسام دفاتر مشق خط برای مبتدیان تهیه کرده اند حروف را نقطه

رعایت کرده ناچار و در مواقع لازم خاطر نشان کند و الا تعلم خط
 محودی خود خط شاگردان را خوب نخواهد کرد
 در موقعی که معلم رسیدگی تکالیف شاگرد میکند چقدر محاسبت پاره‌ای نکات که
 عربوط سلیقه نویسنده است شاگرد گفته شود و مراقب در رعایت آن بعمل
 آید این نکات بت صفحه را که بخط خوب نوشته شده باشد فشنگ تر و
 زیبا تر جلوه میدهد شاگرد باید جای عنوان را در صفحه بداند و بداند
 که بین عنوان و اصل مطلب حد کافی فاصله باید نگذارد وقتی مطلب نازم شد
 از سر سطر باید شروع کرد و حاشیه را بقدر آروم و مناسب با صفحه باید
 معین کرد و ازین قبیل

تعلیم مشق خط بدون سرمشق ممکن نیست سرمشق

سرمشق هم بر دو قسم است سرمشق عمومی و سرمشق

خصوصی در ایران جای تأسیب است که فقط

سرمشق خصوصی داده میشود ولی چنانکه قبلاً گفته میشود در مدارس

ابتدائی سرمشق عمومی را معلمین مشق باید در نظر بگیرند و از فوائد آن

عص نظر نکند سرمشق عمومی عبارت از سرمشقی است که معلم ناگج

و بخط حلی روی نخته‌سپاه در حضور شاگردان مینویسد و در ضمن نوشتن

حرکات دست خود را شاگردان مشاهده و قواعد تعلم را بیان

میکند و در صورت لزوم حروف و کلماتی که نوشتن آن مشکل و پیچیده است

مکرر مینویسد و یاد میکند تا شاگردان بخوبی طرز نوشتن آنها را ادراک

کنند وقتی سرمشق عمومی روی نخته‌سپاه داده شد شاگرد هدایت



وریدگانی جدید کرد یعنی نوشتن بر خط معین را روی میر باد داد و همواره
 عادت داد روی هر چیزی بنویسد

باید رنگ مشق خط را معلم چگونه صرف کند ؟
 درس مشق خط در مدارس ابتدائی باید ساعت درس را تقسیم سه
 قسمت کرد در قسمت اول باید قلم شاگردان را
 برآشید اگر شاگردان رناب باشند و قلم همه آنها تراشیدن لازم داشته
 باشد باید در موقع تنفس و قبل از ورود بکلاس معلم این کار را انجام دهد
 بدیهی است که در کلاسهای آخر مدارس ابتدائی و در دوره اول متوسطه
 شاگرد باید خودش قلم را سی را بداند و قبل از وقت قلم خود را حاضر کند
 وقتی قلم شاگردان حاضر شد مشاق با معلم (در کلاس اول و دوم) در روی
 تخته سیاه سر مشق عمومی را میدهد سپس سر مشق خصوصی را که طبع
 شده با خود او نوشته توزیع میکند بعد از نگارنده تارهایی که سر مشق
 جاب شده موجود نیست معلم باید هر سه هفته یا یک ماه یک سر مشق روی
 قطعه بنویسد و بهر شاگرد یکی بدهد - سه هفته یا یک ماه برای این است
 که در این مدت سر مشق ارتعالم درآید

در قسمت دوم همینکه سر مشق خصوصی شاگردان داده شد با هر
 معلم همه شروع میکنند نوشتن یک سطر در این ضمن معلم در کلاس دور
 میرود و مراقبت میکند که شاگردان اولاً نکاتی که راجع محیط الصبحه
 گفتم مراعات کنند و ثانیاً تعالیمی که داده است موقع عمل گذارند چنانچه
 دید اشکالاتی برای عدهای از شاگردان موجود است روی تخته ساداً توضیح

چین عوده و تکلف شاگرد در سال اول و دوم ابتدائی آسب کسه توی
 آنها را بر کمد نداشتش حرکت افتد و قوت گیرد ولی همین که شاگرد
 بر آه افتاد دفاتری با او میدهد که در فوق هر صفحه فقط يك سطر سر مشق
 گراور شده ولی نباید از روی آن تمام صفحه را بر کسند

حفظ الصّحّٰه در موقع نوشتن از همان ابتدا باید شاگرد را دارای
 عاداتی کرد که برای حفظ صحت او لازم است
 و مشق حطّ کلمات و حطّ عدّه ریاضی را همیشه قدّ و ناسا
 کرده است پس باید در نگاهداری انبیه و حفظ چشم مراقبت مخصوص کرد
 هنگام نوشتن شاگرد باید راست بنشیند و خم نشود و سر خود را خیلی
 نزدیک کاغذ نبرد و همیشه يک چارک الی سطح گره بین صفحه کاغذ و چشمش
 فاصله باشد قلم را در بین انگشتان نگردد ولی فشار ناآر ندهد، سر خود را
 پائین نیندازد و حتی الامکان بالا نگردد

ندیهی است که اغلب مردم فارسی را در روی دست و رانو مینویسند
 و لارمه این طرز نوشتن این است که ناها را جمع کنند و شکل مخصوصی
 بنهند که مخالف با اصول حفظ الصّحّٰه است از طرف دیگر روی میر بخوبی
 میتوان فارسی را نوشت و کسانی که حس حطّ را روی رانو آموخته اند
 در روی هر خوب مینویسند بنا بر این باید در این مسأله مطالعه کرد
 که چنانچه حطّ فارسی را روی میر تعلم دهند آنما تقریباً صحه ای که
 از آموختن روی دست و رانو بدست میآید حاصل خواهد کرد بانه اگر
 بدسه منت باشد نباید نوشتن و تعلم حطّ فارسی را موافق اصول حفظ الصّحّٰه

۳ - دستور زبان

پروگرام رسمی

سال نهم -

اقسام عمده کلمات از اسم و صفت و صیغ و فعل و غیره با سریات کثی و شعاعی ، بحریه کلمات

سال ششم -

اقسام کلمات از اسم و صفت و کلمات و عدد و فعل و غیره ، متعدی و لازم ، معلوم و مجهول ، و حوه و صغ افعال ، ارمه ، حمل و اجراء آن ، سریات کثی و شعاعی ، بحریه و ترکیب حمل و عبارات

سال اول متوسطه -

شاختن اجراء عمده کلام و اقسام کلمات با سریات شعاعی و کثی ، حالات اسماء و کلمات ، و حوه و صغ افعال ، متعدی و لازم ، معلوم و مجهول ، ارمه

سال دوم -

مقایسه حمل فارسی با عربی ، نکات واجعه باقسام کلمات و حمل ، اصال با قاعده و بی قاعده ، و حوه اشتقاق ، حروف معرده و مرگه ، تبدیل و جمع

سال سوم -

مراجه دوره صرف و نحو موسیفه سریات در صس قراآت ، مختصری از علم ندیع ، تاریخ حال شعراء و صصاه معروف با کال احصار

قبل از شرح اصولی که باید در تدریس دستور زبان

فارسی اتحاد کرد نکته مهم را باید گوشرد کرد

و آن اسکه اکثریت ردیک با اتفاق معلمین با تصور

بدکار مهم

مدهد و اشکالات را مرتفع میکند

بالآخره قسمت سوم ساعت مشق خط صرف تعلم نهریک از شاگردان
 میشود تا آن ترتیب که معلم می نشیند و شاگردان یکی یکی سطرهای را که
 نوشته اند بردار و می آورند و معلم میگردند ندبھی است چنانچه عدّه شاگردان
 زیاد باشد در هر رنگ عدّه ای از آنها را باید تعلم داد در دوره اول
 مدارس متوسطه قسمت مهمّ درس صرف تعلم افراد شاگردان میشود زیرا
 که در آنجا کمتر احتیاج به مشق عمومی دارند



سیاه همه آنها را يك مهر بسویسد قاعده ای که در نظر دارد از مثالها بیرون میکشد و نظر شاگردان جلوه میدهد و خود شاگردان را نیز وادار میکند قاعده ای که ملاحظه کرده اند در تحت جمله و عبارت معین دریاورند اصل دژم آست که باید آکتفا کرد قواعد مهم و کمتر از مستثنیات صحیح داشت ولی در عوض باید تمرینات زیاد داد تا قواعد در خاطر شاگرد رسوخ پیدا کنند و نماید

همانطور که پروگرام رسمی هم معین کرده تا سال اول متوسطه باید تمرینات کتبی و روانی شاگردان داد تمرینات همانقدر دستور را روشن و شیرین میکند که امثله دروس عادی را و وقتی شاگرد قواعد را فهمید تا اثر حرف معلم تازه است باید استفاده کرد و تمرین داد تا خوب مرکور ذهن او گردد این تمرینات بهتر است که اغلب روانی باشد و گاهگاهی کتبی تا وقت زیاد از شاگرد و معلم نگردد

تمرینات روانی
و قلمی

راجع صرف افعال باید اولاً احتراز کرد از دادن تمرینات طولی و تکمواحت که حر حسنگی فائده دیگر ندارد تا ساً آنها را بصورت متنوع در آورد مثلاً عوض اسکة بت فعل را بدهد که شاگرد در تمام وجوه صرف کند که سه فعل بدهد که هر يك را در يك یا دو وجه صرف نماید ثالثاً باید افعال را تا کلمات دیگری توانم کرد که معنی پیدا کند مثلاً عوض خوردن اند عدا خوردن را شاگرد تکلیف داد و عوض خواندن باید کاعد خواندن را گشت راجعاً جمله ای که

مکسند که دستور عبارتست از مجموعه قواعد و قوای که باید احصاءاً تحصیل
 و حافظه شاگردان کرد شاید این تصور از انتعا ناشی شده باشد که فرص
 مکسند زور اول قوای برای تکلم اهل این مملکت وضع شده و بر طبق آن
 شروع بحرف رده اند و بنا بر این امر ایان باید قواعد زبان فارسی را
 یاد بگیرند تا بتوانند فارسی را صحیح بگویند و بنویسند حقیقت امر
 اینست که دستور زبان عبارتست از مجموعه قواعدی که بر رتبه استقراء از
 زبان فارسی استخراج شده یعنی علماء صرف و نحو در زبان فارسی دقت
 کرده و انواع کلمات آنرا سنجیده و حمل را با هم مقایسه کرده و از حرئی
 بی نکای برده و قوای بیرون کشیده اند بنا بر این تدریس دستور را باید
 بر تعلم زبان مقدم داشت بلکه باید گذارد شاگرد قوه استدلالش بحتی
 برسد که تواند از راه استقراء قانون مبداء کند و آنوقت شروع تدریس
 دستور نمود جای بسی خوشوقتی است که وزارت معارف در بروگرام
 مؤرخ ۱۳۰۶ دستور زبان فارسی را ارسال بنحج سالان در بروگرام منظور
 داشته است

در تدریس دستور مخصوصاً تا سال دوم متوسطه باید

اصول کلی قواعد را همواره رعایت کرد اصل اول آنکه

باید بدون مقدمه قواعد زبان را برای شاگردان

بیاورد بلکه قواعد و قوای زبان فارسی را باید از زبان همان قسم

استخراج کرد که علمای صرف و نحو کرده اند برای این کار معلم ابتدا

مثالی مینویسد و بعد وامدارد شاگردان امثله ای بنده بآن میآورند و روی نخته

۴ - املاء

دربرگرم رسی دیکته و مشق صحت املاء در تمامش سال ابتدائی و چهار
سال دوره اول متوسطه منظور گشته است

اشکالات املائی

فارسی

اشکالاتی که در املاء زبان فارسی موجود است از
 خود زبان نیست قواعد زبان فارسی بسیار سهل
 و آسان است افعال بنقاعده ، ندارد مدگر و مؤنث
 ندارد ، صفت ناموصوف مطابقت نمیکند ، کلمات بر حسب مقامی که در جمله
 پیدا میکند اعراب نمیشود ، فارسی همانطور که تلفظ میشود برشته نجر بر
 در میآید ، تنها اشکالی که در نوشتن زبان فارسی موجود است از انصای
 عرب ناشی شده است کثرت اشکال مختلفی که يك حرف بر حسب اینکه
 در ابتدا یا در وسط یا در آخر کلمه واقع شده باشد پیدا میکند و شنیده بودن
 صورت بسیاری از حروف و کثرت نقطه برای امتیاز آنها و ملاتر و مهمتر
 از همه کثرت حروف متحد الصوت موجب صعوبت املاء فارسی شده است
 حروف ر د ص ط یا س ث ص که در فارسی همه دارای یکصوت است
 اعراب هر کدام را ناصوت معینی تلفظ میکنند بطوریکه شنونده خود
 میداند هر کلمه ناچه حرفی نوشته میشود ولی در فارسی لغات عرب فراوان
 است و تا املاء آنها را قلاً ندانیم و یا اشتقاق آنها را ندیده باشیم صحیح
 نوشتن آن مشکل بنظر میآید

فوائد دیکته

برای یاد گرفتن املاء یکی از بهترین تمرینات همان
 دیکته است ولی نباید مانند بعضی از معلمین
 روندهای اتحاد کرد که شاگردان بواسطه طولانی

میدهند طوری درست شده باشد که قهراً شکلی که میخواهیم بعمل ندهد
مثلاً در ور سب خوردم 'الآن مشق منوسم' فردا گردش خواهیم رفت'
ناید درس را خوف ناید بگیرم .

نحریه کلمات و حمل پیر نیکی از تمرینات بسیار مفید است . ما در
بروگرام رسمی در سال پنجم ابتدائی ناید هر شاگرد کلمات را نحریه کند
یعنی انواع کلمه را از حدث اسکه اسم است ناید ناصحت ناید دیگر
تشخیص دهند

در سال ششم حمل هم ناید نحریه شود 'فاعل و معمول معش شود
و مقام هر کلمه در جمله مشخص گردد

در کلاس دوم و سوم متوسطه دیگر احتیاج تمرینات مخصوص نیست
س شاگردان بحثی است که از فهمیدن دستور لذت ببرند و میتوان
تمرینات دستور را در صحن قراءت بعمل آورد در حقیقت آنچه سابقاً
راجع بیان و تفسیر قطعات منسجه گفتیم يك قسمتی نحریه و ترکیب
حمل و عبارات و تعیین قدر و مقام کلمات و تشخیص مبتدا و خبر و عجزه است



ار کلاس سوم تا ششم متن املاء باید از حدت معنی کامل باشد و از حدت اشکال متوسط و از حدت موضوع متنوع و مختلف و از حدت اشیاء سلسله و روش مطالقی که در ضمن متن دیکته مندرج است باید تعلیمات شاگردان را تکمیل کند و سایر این راجع باشد مواد بروگرام ارقیل احلاق و علم الأشیاء و تاریخ و جغرافیا و غیر ذلک

در دوره اول متوسطه باید سعی کرد شاگرد لغاتی را که در ضمن کتب فارسی ممکن است بآن برخورد در متن دیکته هائی که منویسد بسند در اینجا هم متن املاء باید جامع و دارای قدر و مقام ادبی باشد ما بر این ناید متن املاهای کلاسهای متوسطه را از کتب نویسندگان و صحای برگ انتخاب کرد و نسبت نکلاسهای سطح و شش ابتدائی هم ناید
مفصل تر گفتم

در دوره اول متوسطه چون متن دیکته از حدت
مطلب و معنی کامل و جامع است معلم متنی را که
قبلاً حاضر کرده صدای بلند بخواند و همه

طوری

املاء کردن

شاگردان گوش میدهند تا از موضوع مطلع شوند و مقصود نویسنده را فهمند سپس شروع میکند با املاء کردن باین ترتیب که هر جمله را بخواند و قدری مکث میکند که شاگردان بوسند و یک یا دو مرتبه آن جمله را تکرار میکند در صورتیکه جمله طولانی باشد بر حسب معنی آنرا تقسیم بچند قسمت میکند و هر قسمت را مانند یک جمله کامل میگوید وقتی تمام متن املاء شد مجدداً از اول تا آخر باید آنرا بدون عجله خواند تا اگر شاگردی

بودن متن و حاوی بودن بر لغات صعب دور از ذهن از نوشتن دیکته
بر آشفته و مدرجتر شوند در صورتیکه بر طبق دستوری که داده
میشود اگر دیکته نگویند متضمن فواید متعدّد است

بوسیلهٔ دیکته معلّم میتواند قوای شاگردان را معیار مگردوان آنها
امتحان کند و میزان کار و رحمت آنها را بسنجد. علاوه دیکته اعلاء
لغات را در خاطر شاگردان کالتقش فی الحجر ثابت و پابدار میکند فایدهٔ
سوم اینست که اسباب را برای دیکته نوشتن حاضر میکند و در رنگانی
چه بسا اتفاق میافتد که آدم باید بیاناتی که سایرین میکنند بنویسد از قبیل
مداکرات مجلس و خلاصه هائی که از درس معلّم باید برداشت و صورت
خطابه هائی که داده میشود و غیره و آخر الأمر چنانچه متن دیکته را
حوب انتخاب کرده باشند و از مصححان بنویسندگان بزرگ باشد و بر طبق فهم
شاگردان باشد قوهٔ بختی و هوش آنها پرورش مینماید و دارای ذوق
حوب میشوند

در انتخاب متن اعلاء باید دقت کرد متن اعلاء
متن اعلاء
بسیار نهر کلاس تغییر میکند و باید متناسب با سن
و فهم شاگردان باشد در کلاسهای اول و دوم
مدارس ابتدائی ابتدا لغات تلك تلك گفته میشود سپس حل کوچك و ساده
بدون آنکه این حمل حتماً از حدیث معنی مربوط بهم باشد در این دو کلاس
متن اعلاء باید کمابیش متناسب با درس قراءت باشد کلمات و حلی که
اعلاء میکنند از کتاب قراءت اخذ میشود

برای شاگردان تفسیر و آسان میکنند در صورتیکه زیاد مشکل باشد روی
 نخته سیاه بنویسند و رود بآک میکنند و بعد او میدارد بنویسند حمل ساده
 را هم در صورتیکه احتیاج توضیح داشته باشد قبل از املاء کردن باید
 برای معلم بیاب کرد و بعد کلمه کلمه او داشت شاگرد نویسد
 حتی الامکان این کلمات و حمل باید از روی کتاب قرائت باشد تا بزرگ
 فهم شاگرد باشد و قبل از نوشتن آن را دیده باشد و با بعد از نوشتن دیکته
 محلی برای مراجعه داشته باشد

از کلاس سوم تا ششم قبل از دیکته گفتن معلم باید متن را کاملاً
 بخواند و اگر لغات غیرعادی مشکل در متن بود یا بعضی از حمل متن پیچیده
 و مهم بود با آن کند سپس جمله محمله متن را املاء کند

چنانکه دیکته را بر تری بگویند که در فوق تشریح

تصحیح املاء شد تصحیح آن حملی آسان است در دوره اول

متوسطه باید اکتفا کرد بلغاتی که معلم حدس

مدرسد که شاگردان عاطف نوشته باشند آهیم باس ترتیب که هر يك از شاگردان

نوبه لغات مشکله دو ناسه حماه را كه معلم میگوید هجی میکنند و

خودشان در روی ورقه یا دفتر خود تصحیح میکنند در حسی

که شاگردان مشمول تصحیح هستند دور مدرس و اوراق هر يك را

ملاحظه میکند که خوب نوشته رعایت لطافت را هم نموده باشد

در چهار کلاس آخر مدارس ابتدائی معلم و ادا میکند يك دو

هر از شاگردان متن دیکته را روی نخته یا خط حمل بنویسند و سایرین

از روی آن دفاتر یا اوراق خود را تصحیح میکنند در کلاس اول و دوز

نقطه رفته باشد صحیح کند یا کلمه ای را انداخته باشد سوید همسکه
 این امر هم انجام یامت باید سوالات کتی مختصری کرد از قبیل نوشتن
 معانی حقیقی یا محاری بعضی از لغات مشکله متن و توضیح اشتقاق بعضی
 از لغات عربی و شمردن مشتقاتی که از ماده معنی بوجود آمده است و تجربه
 یکی از حمل و بر حسب موقع و اقتضا مدتی وقت معش کرد که شاگردان
 در دین متن املاء حواری سویمند

در مدارس ابتدائی باید يك نکته مهم را در مد نظر داشت و همواره
 معلمین یاد آوری کرد و آن ایست که عرص از املاء کردن یاد دادن
 املائی کلمات و راهمائی شاگرد است تصحیح نوشتن سا بر اس مثل
 بعضی از معلمین باید تصور کرد که ناستی عمداً شاگرد را بعلط انداخت
 و بعد علط او را تصحیح کرد یا کلماتی در متن دیکته گنجانند که شاگرد
 از نوشتن آن عاجز باشد و از روی حدس و ائتساق چیری نویسد باید
 از زور اوّل بگذاشت دست شاگرد بعلط نوشتن و چشمش بدیدن علط
 آشنا شود بالأحره باید شاگرد متن را بهمد و بعد نویسد والا فایده ای
 عایدش نخواهد شد در تمام مدتی که شاگرد در مدرسه ابتدائی است باید
 تربیتی داد که کلمات و لغات با املاء صحیح مرکور ذهن شود تا اگر
 زوری قوّه حافظه در املاء لغتی تردید کرد عادت نصری و حرکات یدی
 مدد دهند و او را از درماندگی رهائی بخشد

در کلاس اوّل و دوم معلم لغاتی را که منحواهد املاء کند ابتدا

۵ - حفظی

بروگراه رسمی در صحن فارسی از کلاس اول ابتدائی تا آخر دوره اول
موسسه حفظ نصی از قطعات خوانده شده را مقرر داشته است

چرا، زیرا که وقتی شاگرد اشعار یا قطعات مشهور اساتید را محاضر
سردر اولاً هر مرتبه عده ای از لغات و اصطلاحات در حافظه خود
دخیره میکند و نگاه میدارد تا بیا محل حقیقی استعمال لغات و اصطلاحات
را یاد بگیرد ثالثاً ذوق او در انشاء و سبک تحریر و طرز تکلم عالی
ریاد میشود رابعاً از ادراک مطالب و فرا گرفتن نکاتی که مصحح در
صحن قطعات خود گسحایده اند قوه متحنه شاگرد و عواطف او پرورش
میداد و حافظه اش ورزیده و قوی میگردد

مرحوم پروفیسر درون مستشرق شهر انگلیسی در صحن کفرالسی
که در فوریه ۱۹۱۸ در مقابل آکادمی بریطانیا داده گفته است *
حتی چار ما داران بی سواد راههای طولانی و حرن آور را بوسیله خواندن
اشعار حافظ کوتاه مینماید و ادوه را بدان از خاطر خود مینماید و این
خود دلیل زرگی است بر نفودی که حافظ در قلب شموطنان خود دارد و
بر متن این مسأله است که چگونه ایرانیان امروز حتی اسخاص بی
سواد با کلمات و اصطلاحات و حمل مربوط و ادبی گفتگو میکنند و بجد
علت موجب حفا و اذت شونده میشوند (۱)

خود شما چقدر محظوظ هستید از صحبت با اسخاصی که اشعار و

باید حتی الامکان ورقه هر شاگرد را جدا گانه تصحیح کرد تا بتوان بدقت
 ملاحظه نمود عده دندانها کجی است یا نه در این دو کلاس برای خود
 شاگرد غیر ممکن است از روی تخته سیاه اعلاط خود را تصحیح کند و
 مخصوصاً تشخیص عده دندانها که از دور برایش دشوار است در موقع
 تصحیح شاگردان باید دفاتر را در روی مدر نگذارند تا معلم از بهلوی آنها
 عبور کند و سیند خوب نوشته اند و حاشیه گذارده اند و بین خطوط فاصله
 داده اند و هر مطلب که ابتدا شده از سر سطر شروع کرده اند و صفحه را
 پاکیره نگاه داشته اند یا حر اگر عده شاگرد زیاد باشد و معلم نتواند
 باوراق همه آنها در هر مرتبه که دیکته مگوید رسیدگی کند نوشته چند
 مررا در هر دفعه می بندد

وقت که املاء و تصحیح آن بحوی که گفته شد انجام گرفت شاگردان
 باید طوری از آن استعاده کرده باشند که دیگر خطاهائی که کرده بودند
 تکرار نکنند اگر این تسخه از هر ساعت عشق صحت اعلاء بدست آید
 مقصود و منظور حاصل شده است و الا فلا



کند نباید قطعه‌ای داد که رنادرتر از پنجاه سطر باشد. حفظ قطعات طولی موجب خستگی شاگرد میشود و باید حتی الامکان از انتخاب آن احتراز کرد. برای اینکه رعایت تنوع و جوی در قطعات حفظی نشود و معلم از این حیث آرازی کامل داشته باشد باید در ابتدای هر سال تحصیلی قطعات حفظی هر کلاس را انتخاب کرد و مره‌ترتیب آنها را هم از همان وقت معین نمود.

در مدارس ما تا کمال اسف دیده میشود که قطعه‌ای را که شاگردان بعضی اوقات اصلاً نهمیده اند مینهند از حفظ کنند و این ترتیب آنها را دچار عذاب الم میکنند و از حفظی بنابر ناقصه‌ای را بنا گرد کاملاً نهمیده باشد باید توقع داشت از حفظ کنند قطعه‌ای که شاگرد معائنات را نهمید و لغاتش را دانست تا سانی محافظه میسازد و قدرت فراموشی میکند چگونه باید قطعات حفظی را بیان کرد:

تقریباً همان شکلی که قرأت و توجیه معنی و فهم مقصود بعمل میآید معلم باید بدو اصدای بلند و کمال بلاغت قطعه را برای شاگردان بخواند و سپس طرز تلفیق جمله‌ها را خاطر نشان کند و مطلب اساسی آنها را سطر شاگردان جلوه‌گر سازد و نظم و ترتیب جملات نویسنده را تشریح کند در کلاسهای متوسطه چون ممکن است حفظی از این قطعه طولی و متصل انتخاب شود که تمام را شاگردان ندیده باشند معلم باید قسمتی را که میخواهد برای حفظ کردن معین کند هر بوط سازد معانی قطعه و وقتی ترتیب

قطعات نویسندگان بزرگ را حفظ دارند و چند نوشتجات آنها شریب است
 قطعاتی که شاگردان میدهد حفظ کنند از حدت
 انتخاب حفظی موضوع وسک نباید حقیقه عالی و خوب باشد
 تا قابل سپردن محافطه باشد مطمئن‌ترین
 وسیله برای بیسبک نایب مقصود اینست که قطعات را از دیوانهای فصحا و
 شعرای بزرگ انتخاب کنید زیرا که فقط آنها آثاری در خود گذاشته اند
 که شایسته ار بر کردن است. بنا بر این اگر قطعه خوبی پیدا کردید که مثلاً
 يك جمله دور از فهم شاگردان داشت برای آن يك جمله باید از آن قطعه
 قطع نظر کرد.

در دوره اول متوسطه قطعات حفظی باید فقط از اساتید درجه
 اول باشد از قبیل فردوسی، سعدی، حافظ، حاقانی، مولوی و غیره

در مدارس ابتدائی مخصوصاً از کلاسهای اول تا چهارم باید بیشتر
 قطعات منظومه شاگردان داد زیرا که اشعار را شاگردان حرد سال
 بواسطه موزون بودن بیشتر دوست دارند از حفظ کنند و آسانتر ورود تر هم
 از در میکنند ولی در کلاس ۵ و ۶ قطعات مشور هم باید داد در انتخاب
 قطعات حفظی باید دو نکته را همواره در مد نظر داشت یکی اینکه از حیث
 معنی و از حدت موضوع وسک متنوع باشد و دیگر اینکه بسبب شاگرد
 و قوه حافظه‌اش طول باشد. منتهای طول يك قطعه باید مقدری باشد که
 بتواند در سه مرتبه هر مرتبه را آنرا شاگرد برای حفظ کردن داد
 مثلاً در کلاس سوم متوسطه که شاگرد میتواند نازده سطرده شب از حفظ

۶ - مشاعره

در پروگرام رسمی اسمی از مشاعره برده نشده ولی مشاعره یک تنوع
مراجعه و تحدید نظری است در اشعاری که شاگردان بر کرده و علاوه
حائز فواید متعدّد دیگر پیر میباشد مشاعره بین شاگردان تولید رقابت
میکند و هر يك از آنها سعی میکند اشعاری که از حفظ کرده همیشه حاضر
داشته باشد و شاید اشعار دیگری نیز علاوه بر دروس حفظی از بر میکند
غایتاً سوم مشاعره آنست که موجب جلاکی و رنگی شاگردان میشود
زیرا که برای پیدا کردن جواب بایستی بین اشعاری که در حافظه دارند با
کمال سرعت کاوش کنند و شعر مطلوب را پیدا کنند

بالأحره مشاعره یک تنوع تعریح ادبی است شاگردان از آب لذت
میرد و سایر این بنوع حسنگی دماغ در ضمن تعریح فواید مذکوره
عایدش میشود

ندبیهی است که شاگردان کلاسهای اول مدارس
طرد مشاعره ابتدائی از این تعریح ادبی چندان محطوط میشوند
و علاوه آنقدر هم شعر از حفظ ندارند که تواند
با آن مشاعره کند سایر این مشاعره را باید تخصیص داد شاگردان
کلاس ۵ و ۶ ابتدائی و دوره اول متوسطه از طرف دیگر برای اینکه قدر
کم نشود و وقت زیادی هم از شاگردان نگرد ماهی یک مرتبه کافی است
در هر ماه یکی از رنگهای حفظی را معلم تخصیص مشاعره میدهد

فوق تمامی ترکیب قطعه رای شاگرد واضح شد مثل این است که صف
 رحمت حفظ کردن را کشیده باشد آنوقت است که باید لغات و استعارها
 و اصطلاحات مشکل را بنام کرد و همینکه این فوقست بعمل آمد
 باید از سرفقطعه را نواعایت نکات بلاغت و فصاحت سمزده و بلند خواند
 در کلاسهای اول مدارس ابتدائی چون مقدار حفظی کم است و سواد
 شاگردان هم کافی نیست مقتضی است که پس از توضیح و تشریح حفظی
 معلم چندین مرتبه آنرا بنماید بلند بخواند و ادا کند شاگردان هم پس
 از او ناظم بخوانند تا تقریباً در کلاس قطعه را از حفظ کنند
 در موقع پس گرفتن حفظی باید مراقبت کرد که شاگرد
 طور پس گرفتن فصیح و بلیغ بخواند یعنی بترتیبی که هر شونده از استماع
 آن مطلب را کاملاً بفهمد و دارای همان عقیده و
 احساساتی شود که نویسنده قطعه در نظر داشته است در وقت پس دادن
 باید آهسته و سمرده کلمات را ادا کند و لهجه محلی از قبیل لهجه کاسانی
 و تردی و عمره نداشته باشد کلمات را مهم نگوید، عجله ننماید و
 عدر دالت



۷ - مشق تکلم

در پروگرام رسمی مدارس ابتدائی در تحت عنوان «تربیس» برای سه کلاس اول، مشق تکلم منظور شده. البته درس قراءت نشاگرد یاد میدهد که فارسی را نهمند و احساس کند ولی این کافی نیست. تحصیل زبان فارسی باید موجب شود که نشاگرد فارسی را خوب بگوید و خوب بفهمد بدون آنکه دیگران دائماً همراه او باشند و با حرف زدن و نوشتن زیاد بدهند. سایر این باید با تدریس کافی لغات فارسی و عربی متعارف را با آموختن و معنای حقیقی آنها را با گفت و واداشت در ضمن حمل آنها را استعمال کند و بعد کم کم بروی کاعند باورد.

در کلاس اول باید لغاتی را که مربوط بر بدگانی عادی است و دلالت بر اشیائی میکند که شاگردان هر روز میسند دسته دسته کرد از قبیل لغاتی که مربوط است مانند کلاس و لباس شاگردان و اعضای بدن و کویچه و درخت و غیر ذلک و وقتی معانی صحیح آنها را یاد گرفتند در جمله های کوچک ساده استعمال کنند.

در کلاس دوم و سوم چنانکه پروگرام معین کرده مشق تکلم باید بوسیله سؤالات از درس خوانده شده تعامم شود، متناً و امداً و جمله ای که شاگرد در کتاب دیده از خود تکرار کند تا معنای حکایت کوچکی که خوانده از خارج بگوید یا سؤالاتی که معامم راجع بحکایت میکند جواب دهد و قس علی هذا.

باین ترتیب که خود او حکم میشود و شاگردان دوباره سوره ناهم مشاعره میکنند و دیگران گوش میدهند و نتیجه را که عبارت باشد از علقه یکی بر دیگری اعلام میکند

بدهی است همان اوصافی که در طرز ادای شعر معلّم در موقع درس گرفتن ارشاد کرد انتظار دارد در وقت مشاعره نابد مواعظ باشد در اشعاری که شاگرد از حفظ میگوید بپیر موجود باشد



۸ - انشاء

در بروگرام رسمی از کلاس سوم سالاد در ضمن فارسی اهمیت انشاء انشاء منظور گردیده و حقیقتاً ناچاره ای انشاء هر تربیت شاگرد مؤثر است که حادارد معلم بهایت اهمیت و ابدان بدهد تا سال ۱۲۹۷ آنقدر که شایسته بود باین رشته اعتنا عشد و فقط در کلاس ۵ و ۶ ابتدائی بجهت حاضر کردن شاگردان برای امتحان تصدیقنامه ابتدائی رقعہ نوسی ناقصی تعلم منشد ما حوشوقیم که از آن تاریخ بعد معلمین و مدرسان مدارس باین موضوع تا انداره ای توجه کرده اند انشاء فوائد مهمی دارد که باسنی یاد آوری کرد

اولاً موحّد وقت شاگرد منشود و او را و ادار منکند که بنگردا کرد خود با نظر دقیق عمیق بنگرد تا بتواند موضوعاتی که باو داده اند بحوی بدوراند تا با موحّد برورش قوای روحی شاگرد منشود زیرا که برای انشاء کردن شاگرد باید فکر کند و حافظه و متخلّله و تمرّنه خود را بکار بندارد ثالثاً موحّد بسط اراده و ابتکار شاگرد منشود شاگرد باید بس از اسکه از طرف معلم هدایت و راهنمایی شد بحودی خود فکر کند و افکار و احساسات خود را بتنهائی در تحت نظم ساورد و از خود اظهار عقیده کند و مستقلاً آنها را بحوی که صلاح میداند رشته تحریر در آورد رابعاً انشاء وسله ساز عالی است برای انداره گرفتن قوای شاگرد و میران روحانی که کشنده اند زیرا که در موقع نوشتن انشاء و بدوراندن موضوع تمام قوای فکری شاگرد بکار میآید و نتیجه تمام

حواهاییکه شاگرد میدهد باید تمام جمله‌های کامل و صحیح باشد
و درست تلفظ کند

از کلاس چهارم سالامشق تکلم جزء قراءت فارسی ثانویه بمعانی
و لغات قهراً گنجیده شده و علاوه انشاء همان مشق تکلم است که روی
کاغذ می‌آید



در کلاس ۳ و ۴ اشیاء باید چشم و گوش شاگرد را مار کنند و بنا بر این موضوعهایی که داده میشود باید شاگرد را وا دارد نگاه کردن مادقت و سنجیدن و کاوش کردن از قبل شرح اوصافی که شاگرد هر روز در ربر چشم دارد مانند شرح حیوانات و کویچه و شرح اطباق درس و مدرسه و نقل اتفاقاتی که در شهر واقع شده و شاگردان دیده و شنیده اند و تعریف و شرح آلات و ادوات و اسبابی که در زندگی روزگدار بکار میرسد و حیوانات اهلی که روزانه بچشم خود می بینند و غیر ذلك

در مدارس ابتدائی و دوره اول مدارس متوسطه راهمائی شاگردان باید موضوع را بشاگرد داد و او را آزاد گذارد که هر طور بنظرش میرسد آنرا سروراند بلکه باید او را راهمائی کرد منتهی در مدارس ابتدائی هر دفعه که درس اشیاء است معلم باید شاگرد را راهمائی کند و در مدارس متوسطه این کار باید گاهگاهی نشود

بشاگرد باید ماد داد که برای بروراندن موضوعی سه کار باید کرد اولاً باید حواس خود را جمع کرد و موضوع را خوب خواند و فکر کرد تا با افکاری که بدماع رسد در تحت نظر در آورد و برای اشیاء طرح معنی ریخت تا آن افکار را نقاب لغص در آورد و حمل صحیح و مصحح برای ادای آنها بسا کرد و نوشت برای این کار معلم وقتی موضوع اشیاء را در کلاس بشاگرد داد دو سه دقیقه در تپ و وقت میدهد که فکر کند بعد بوسله سؤالات متعدد چیزهایی که بخاطر آنها میرسد و او ندارد بگوید

آن کار روی کاغذ می‌آید

در مملکت ما همور تصور میکند موضوع انشاء
موضوع انشاء منحصر است بر اسلالت این علم مخصوصاً در مدارس
ابتدائی دیده میشود بر آنکه در امتحانات شش ساله
ابتدائی آرند و تأسس این امتحانات تا بحال نداد و طلبان فقط تکلیف میکنند که
بر اسلالت بنویسند و معلمین مدارس بر شاگردان تنها کاغذ و سی را مآ مورد
اواع موضوع انشاء بی شمار است بکنند ای که باید بوسیله رعایت
کرد این است که در هر کلاس موضوع باید بر طبق فهم شاگرد و متناسب
بقوة او باشد

در دوره اول متوسطه موضوع باید بشهر قوای متحتله و ممتز
شاگرد و انکار ایدارد و بنا بر این باید از این قیدل باشد
شکر کردن قطعات مطومی که در ضمن قراءت دیده اند، سان اشعار
شاهکاری که حاوی حکات اخلاقی است، شرح مناظر بنا نامتختی که متحصا
دیده اند، اظهار عقیده راجع بفصول سان و مشاعل و مردمان تاریخی بزرگ
و حوادث مهمه عالم و عره

در کلاس ۵ و ۶ مدارس ابتدائی بشهر باید در راحت شرح گردشائی
که سا گردان کرده اند و نقل حکاتی که معلم در سر درس گفته است و
بر اسلالت مربوط بخرید و فروش و عرصحال و تقاضا و کتدهای راجع نا دور
جانوادگی و تفسیر و تفسیر ضرب الامثال آسان زبان فارسی و شرح آثار علمی
از قیدل طوفان و طالع و عروب آفتاب و قوس قرح و طائر استها

تصحیح اشاء را معلم نباید در منزل خود بکند
تصحیح اشاء تصحیح اعلاط را در حاشیه ثبت کند و در باب اشاء هر
شاگرد ملاحظاتی که دارد مختصراً در یک سطر بنویسد
و عمره هم بدهد ولی این تصحیح فردی کافی نیست در ابتدای درس اشاء
باید تصحیح جمعی هم کرد معلم نقایص و خطایائی که در تمام یا اغلب اوراق
دیده و یاد داشت برداشته در روی تخته سبزه اعلان و تصحیح میکند سپس
اوراق شاگردان را یکی یکی ردّ میکند و آهائی که سراوار تحسین و تمجید
هستند نرخص گمان نمره آنها منگوید باوقتی اوراق بدست شاگردان
رسد و امیدارد اعلاط خصوصی خود را با دقت بنسبد و بفهمد اگر وقت
براش باقی ماند هر يك را بگونه برد خود بخواهد که ورقه خود را نس
از ملاحظه برد معلم نبرد و اگر اشکالی در فهمیدن عايط خود دارند رفع
کند در دوره اول متوسطه قیمت اجزای بسیار مفید است و بچقدر
مخاست که بهترین اشاء در کلاس قرائت شود تا هم موجب تشویق نویسنده
شود و هم آهائی که خوب تکلیف خود را انجام نداده اند ناد بگیرند



و یک هر مأمور میشود همان ترتبی که افکار پیدا میشود در روی تخته سیاه بنویسد. در این موقع قسمت دوم میرسد که عبارت باشد از منظم کردن افکار پیریشان خود معلم کچ را در دست گرفته شاست و وحدت افکار و روابط که بین آنهاست خاطر نشان میکند و از این راه آنها را طبقه بندی مینماید و برای اسکه هر افکار منشاها را تشخص دهد رقی موقتاً در مقابل آنها میگذارد برای پیدا کردن حمل فقط در کلاس سوم و چهارم باید شاگردان را هدایت کرد و آن هم باین ترتیب که معلم او میدارد چند هر شاگرد افکاری را که در تحت نظم در آورده اند قولاً بپر و رساند بعد شاگردان را آزاد میگذارد که در حضور او یا در حانه آن عبارات و حملی که در کلاس گفته شده باشیه بآنها در دفتر انشاء بنویسد

بدیهی است هر قدر شاگرد بکلاس بالا تر میرود کمتر باید او را راهنمایی کرد در دوره اول متوسطه در مواقعی که موضوع انشاء سحت است معلم باید بوساطه سؤال و هدایت شاگردان موجب هدایت افکار و روشن شدن مطلب شود و ماضی کار را بعهده خود آنها واگذار نماید که در حانه انحام دهد همانقدر که راهنمایی شاگرد در کلاسهای پائین میباشد در صورتیکه زیادتر از حدی که گفته شد عمل آید در کلاسهای بالا مصر است بر آنکه شاگرد را عادت میدهد باینکه از خود دارای فکر باشد و بخود رحمت فکر کردن و مرتب کردن افکار و انشاء و ایجاد عبارات بدهد

بیرار میشود

فواید اخلاقی

اهمیت و ضرورت تدریس تاریخ ایران لحاظ است

که تاریخ درس اخلاق و درس سعی و کار است

بدرس تاریخ

تاریخ همواره شاگرد عادل را در مقابل ظالم و حادم

را در مقابل حائن و عیله حق را بر ناطل نشان میدهد و این ترتیب در

و حادان آن شاگرد عشق بحق و حقیقت را پرورش میدهد برای دادن درس

اخلاق معلم باید عملت از تاریخ ایران نکند زیرا که تاریخ مملکت ما بر است

از شجاعت و افتخار و خاساری و ایشار و امثالی که معلم برای شاگرد می

آورد از تاریخ وطن ما باید آحد شود چه درس اخلاقی مؤثرتر و بجه مایه

امید واری قوی تر از آنکه شاگرد مدرسه ما نداند که ایران پس از عیله

اسکندر بر آن و محمداشقی آن در مذت سح قرون و استیلای احمی بر آن ناری دست

اردشیر بانکان آراددی را از سر گرفت و پس از تسخیر عرب و تصرف تمدن

خود ناری ملیت خویش را اردست بناده پس اردوست سال بوسانه سلسله

هی مختلف صفاری و سامانی و عبره استقلال یافت و همچنین پس از

استیلای مغول و مصمحل شدن مملکت ناری دست شاه اسمعیل صفوی و وحدت

و حیات خود را تجدید کرد علاوه بر این تاریخ مشوق بزرگی است برای

حد و جهد و سعی و عمل زیرا که شان میدهد که تکامل تدریجی است و

باید بواسطه بظ و کندی آن بومید شد بلکه باید رحمت کشد و وسائل

تکامل را فراهم کرد و ناره هم تاریخ در بیت حظه اوسماع و احوالی را می

نماید که برای ارتقاء مساعد بوده و مع ذلك عوامل ارتقاء در آنجا رحد

فصل دوم

در طریقه تدریس تاریخ

اهمیت

تدریس تاریخ

برای تربیت قوای روحی ما گردد و نهدب احلاق
و تقویت وحدان او و همچنین برای ایجاد حس
و طبعخواهی تدریس تاریخ فوائد بسیار دارد و بلکه
ضروری است تدریس تاریخ چگونه قوای روحی را پرورش میدهد
امان کسحاو است و بااطع مایل است بداند مملکتی که در آن متولد شده
و رست میکند در قرون ماضیه چه صورت داشته و وضع آن از چه قرار
بوده تدریس تاریخ این حس کسحاوی غریزی را تشقی میدهد علاوه
آموختن تاریخ حافظه را دارای معلوماتی میکند که توسطه آب میهمم
مؤسسات و تشکلات و طرز زندگی و عادات و رسوم و سن ما از کجا
آمده این معلومات همیشه و همه جا کمک بزرگی برای جامعته است قوه
متحمله هم از تدریس تاریخ قوی و منبسط میشود زیرا که برای فهم تاریخ
تاگرد محور است دائماً متحمله خود را بنکار اندارد و گذشته را در حال
خود محسوس دارد و این پرورش خود موجب تقویت متحمله میشود و آخر الامر
قوه ممتزه بواسطه تاریخ پرورش حاصل میکند و بنکار میافتد وقتی حوادث
را آنطور که واقع شده برای شاگرد نقل کردید و عالی و اسباب آنها را
دگر نمودید و عوامل آنها را که اشخاص برحی اند اسم بردید ماگرد در
باره آنها حکم میکند - بعضی را تمجید و تحسین میکند و نسبت بدانان
ستایش و محبت حاصل میکند و برخی را استعاد و تفسیح مینماید و از آنها

بدست دادن، آخر الامر درس تاریخ باهل مملکت نشان میدهد که برای ارتقاء و تکامل و سعادت شدن باید متحد و متفق شد و باهم کار کرد و برادر وار نهمل کرد که سایرین عقاید و آراء مختلف داشته باشند

تعم فوایدی که برای تاریخ ذکر شد در صورتی است
 احرار ار
 که معلم تاریخ تنها حقایق را برای شاگردان کند
 عصیبت
 و احتیاط نماید که بواسطهٔ ممول و اهواء شخصی ار

حادثة حق منحرف نشده عصمت نکشد و اس هواداری نکردن نسبت خودی و بیگانه باید رعایت شود اولاً نسبت بداخله تاریخ باید هر کس را سراوار تحسین است مدح کند و هر کس مرتکب حبط و خطا گشته است اعلام نماید بدون اینکه رعایت اشخاص و دستجات شود و اگر غیر ار این باشد یعنی معلم هوا داری دسته حاصی را نموده میل باطنی و اعتقاد سیاسی خود را در تدریس تاریخ و مدح و قدح اشخاصی دخل سارد اساء وطن را سفاق و خلاف حقیقت کشانده و بر خلاف تکلیف معلمی خود رفتار کرده اسب ثاباً نسبت بخارجه هم باید معلم خویشش را ار حساب داری یک طرفی دور دارد. البته تاریخ باید حت وطن را ایجاد کند ولی به ما نص نسبت بیگانه تاریخ باید نسبت همه عادل باشد، به محاسن و فصائل را در خودی و بیگانه انکار کند و به همه جدر خودی و بیگانه را ستانده، وقتی باین ترتیب تاریخ تدریس شد حسة حت وطن در شاگرد محکمت و قوی تر خواهد شد جس درس تاریخی نشاگرد خواهد فهماسد که همه ممالک باندازهٔ ایران صلح حوی و بی آزار بنسند و ما بر این مملکت ما باید خود

پیدا کرده و يك مرته زور نموده و آن صوب را روی تکامل و ترقی
 رده و بار صدد فعل آن عوامل راه پیشرفت را بسته و فقط سعی و عمل
 آن مواع را ر طرف کرده و راه را برای تکامل نر نموده است ما برای
 ارتقاء و تکامل تقصا و قدر صیب يك ملت نمیشود و تنها جهد و عمل آرا
 ممکن است در این صراط بیندازد

تدریس تاریخ بیشتر از این حیث لزوم دارد که
 موحد و وطنخواهی مملکت را با بناء خود منشاساید و حت وطن را
 در قلوب آنان ایجاد میکند و حوادث گذشته وطن
 را با منهاید و ارمه با عظمت و افتخار و اوقات تیره محی و شکست
 اهل آن و امید هائی که داشته و کامیابی و فرور هائی که حاصل کرده و
 ظلمهائی که کشیده و رنج هائی که مرده اند بیان میکند، تاریخ مملکت ما را
 مانند هادری توصیف میکند که باو بیوند وستگی داریم و او نمیتوانم
 جدا شویم درس تاریخ ما مأمورد که در قرون ساله سللهائی که در
 مملکت ما آمده اند و رفته اند برای معاونت بکندیگر اقدام کرده اند و هر
 يك کار سل ما قبل خود را پی کرده و سللهای متوالیه دست دوست
 بکندیگر داده وطن ما را تریبی که فعلاً هست تحویل ما داده اند و ما باید
 خدمات آنها را در سال کمیم و مملکت را بصورت بهتر باعقاب خود بساریم
 بصارة احری تاریخ ثابت میکند قول مندله (Michelet) مورخ شهر قرن
 گذشته و سخن ارست ران (Renan) فیلسوف مئه ۱۳ هجری را که
 میگوید «وطن عبارتست از دوستی و محبت، وطن یعنی معاونت و دست

نماند از حیواناته نماید خارج شود سایر این حیای عجب نیست که مثلاً در
بهرام چونبسه جواهرش گردیده باشد

حوادث تاریخی معقل است و راجع بعصر معتبر از
انتخاب
یک ساعت الی یک ماه بمکست شاگردان کلاس را
مطالب درس
مشغول داشت ولی در دوره اول مدارس متوسطه
و در مدارس ابتدائی که شاگرد باید یک دوره تاریخ ایران و یک دوره تاریخ
عالم را بسند وقت برای تفصیل دادند و شرفیات پرداختن بست و علاوه
برای شاگرد هم تدریس تمام مواد تا شرح و وسط لازم و مفید بست پس
معلم باید دفع زمان در انتخاب مطالب درس بعمل آورد تا آنچه از تدریس
تاریخ منظور است حاصل شود نکاتی که در این انتخاب باید محل نظر معلم
باشد از این قرار است

اول نکته ای که معلم باید رعایت کند اینست که
۱ - اجتناب
از دادن تفصیل احترار کند سعی در تمام کلاسها
از تفصیل
خودداری کند از ذکر اسامی و تواریخ و حوادثی

که تاریخی بست با اعصار تاریخی را بهم وصل نمیکند و با حکایت از اوصاف
آن اعصار بمنجند در دوره اول مدارس متوسطه و در مدارس ابتدائی
قسمی از تاریخ را نباید تدریس کرد که حواء حرئی باشد یا کتلی معرف
واقعی اشخاص و اعصار باشد

را همیشه قوی و روز هند نگاهدارد تا نتواند هستی خود را حفظ کند تا زمانی که فقط حق و عدالت بر روابط بین الملل حاکم شود

در فهم تاریخ و تدریس آن یک نکته بسیار مهم ناید
همیشه منظور نظر معلم باشد و آن آنکه بی‌وسه
محاطر داشته باشد که امروز زمان تنها مؤسسات و
تشکیلات تعبیر دینا نمیکند بلکه افکار بشر عوض میشود بنا بر این باید
افکار و احساسات قرون ماضیه را از دریچه چشم مردم امروز نگریست
و حکم کرد

معلم باید دارای ارواح متعدد نشود تا بس معنی که برای مطالعه و
تدریس تاریخ هر عصری خود را دارای روح همان عصر کند و حوادث
و اشخاص را از دریچه چشم مردم آن عصر ببیند و حکم کند و این احتمالاً
قرون و اعصار را نشانگر دان بمانند نقول یکی از مورخین سهلترس راه
برای اینکه تاریخ مخالف با واقع نشود اینست که مردمان گذشته افکار و
عقایدی را است دهیم که مردمان امروز دارا هستند مثلاً سمع آجین کردن
و دم توب گذاشتن که تا قبل از عصر مشروطیت در این مملکت معمول نه
بوده گر چه عملی است قبیح و در انسان تواند ابرحار میکنند ولی بنظر
اهالی آن روز ایران آنقدر که امروزه شنیع سطر میآید عامده است
همچنین اردواح جواهر و دختر که در زمان ساسانیان معتاد بوده امروز
لعقیده ما مخالف طبیعت و مذهب و اخلاق است و عملی است شنیع ولی در
آن عصر توحه ساکی حون داشتند و معتقد بودند که برای آنکه حون پاک

۳ - اختصار در

گزارش جنگها

نکته دیگری که در تدریس تاریخ معلم باید رعایت کند اینست که تصور نباید کرد تاریخ شرح جنگها و معاهداتی است که در خانه آنها بسته شده و ما برای تصور قسمت اعظم وقت را صرفی بسط دادن جنگها و وقایعی که در ضمن آنها واقع شده است نمود البته بعضی از جنگها در تواریخ ملل موجب عصر و موحد تمدن جدید و عصر تازه شده است و مراحتی را در حیات مردم مملکت نشان میدهد که شاگرد قهراً باید بسند ولی این امر مانند ناعت شود که تاریخ را منحصر کند بدگر اسامی سلاطین و شرح جنگهایی که کرده اند جنگ دارا با اسکندر مقدونی با فتح الفتح با فتح قسطنطنیه بدست عثمانی با شکست نابلیئون در واتراو جنگهایی است که ابتدای عصر حدود و رندگانی و تمدن اقوام گشته است و شاگرد ناگزیر باید با کمال خوبی آنها را یاد بگیرد و علل و نتائج آنها را بفهمد

یکی از اسبابی که برای فهمیدن درس تاریخ استعمال نقشه لازم است نقشه جغرافیاست که ارفضا در مدارس ما کمتر بکار برده میشود برای نشان دادن حدود ایران در اعصار مختلفه و اراء میدان جنگهایی که در اوصاع ایران اثر کلی داشته و برای نمودن راهپائی که قبایل وحشی برای هجوم مساتر ملل بيموده اند و برای حاوه دادن طریقی که تمدن یونان یا تمدن اسلام یا تمدن ایران سر کرده و برای حلوه دادن بسیاری امور دیگر استعمال نقشه در تمام کلاسها ضروری است حتی در دوره اول متوسطه چنانچه مدرسه

۲- بوحه

باریخ عدن

کدام جنبه تاریخ را معلم باید بیشتر مورد توجه قرار دهد، تا کسوف در ایران تصور کرده اند که تاریخ فقط آموزش اسامی پادشاهان و یکی دو حکایت که در زمان آنها واقع شده و از همین لحاظ با وجود اینکه پروگرام رسمی مطالب را بجزئیات معین کرده تنها قناعت کرده اند بیاد دادن و حفظ کردن اسامی سلاطین و امراء و رجال و رجال آنکه اسبوع تدریس تاریخ جز بر کردن حافظه و حسته کردن شاگرد فایده ای ندارد در تدریس تاریخ باید بیشتر بدان جنبه ای پرداخت که مملکت را در قرون ماضیه چنانکه بوده نشان دهد یعنی طرز زندگی مردم و علوم و ادبیات و صنایع مستطرفه و حرف و مشاغل و رفاهیت یا عدم آسایش ملت و میزان آرادى و حدود طبقات را نشان دهد چنانکه این قسمتهاست که وطن را با اسماء آن نشان میدهد تاریخ صنایع مستطرفه ایران تا سال گذشته در دسترس همه بود از حسن خط درسنه ماضیه پرفسور بوی (۱) رئیس مؤسسه صنایع مستطرفه تنکاگو با ایران آمد و خطابه ای در این خصوص در حضور رجال درجه اول ایران در آن انگلیسی ایراد کرد که ترجمه آنرا وزارت معارف در رساله علی حده طبع نمود و در معلمین تاریخ فرصت است که آنرا با کمال دقت بخوانند و مطالب سودمند آنرا در موقع تدریس تمثیل ایران نشان گردان بگویند

مکتوب‌نویسان حا راهمائی کند و ندیدن آثار گذشته دوق تاریخی آثار آنحر یک
نماید و درس تاریخ خود را دلیسند و شرین کنند

حای تأسف است که در مملکت ما تا کنون واقعی آثار ملی نهاده
و آنها را از دست تطاول ایام حط نکرده اند در مملکت کهن سالی مثل
ایران تمام آینه و آثار قدیم رو ناهندام است ، نمها رورنه امندی که هست
ایست که در سال ۱۳۰۴ در موقع اقامت پروفیسر یوب در طهران انجمنی
باسم انجمن آثار ملی از رجال وطنخواه اس مملکت تشکیل شد که مرام
اصلی خود را حط آثار ملی و تأسس مورء ملی قرار داده و تا کنون
قدمهائی هم در اس راه برداشته اس

علاوه بر نکاتی که در فوق ذکر شد معلم هر کلاس
طرد ندرس باید مطالبی که تعلق بس و فهم و مشعر ساگردان
آن کلاس دارد در نظر بگیرد و در موقع تدریس
آنها را رعایت نماید

در سال سوم و چهارم پروگرام رسمی تدریس يك دوره تاریخ مختصر
ایران را تصریح نموده وار خواندن موان پروگرام معاون میشود که تاریخ
معاصر را منسوط تر ماند گشت ، در این دو کلاس و مخصوصاً کلاس سوم دو
امر را باید همواره معلم در نظر داشته باشد اول اینکه شاگرد آن سال درست
نمیتواند بفهمد زمان چیست و فروع گذشته را با هم فرق نمیکندارد و نمیتواند
مثلاً ادراک کند که اردشیر دابکان و حلال الدس ماکشاه و آغا محمد حای
قاجار چندین مئه نا هم تفاوت داشته اند و ساید تصور میکند که پدر او

دارای نقشه های تاریخی چاپ شده باشد معلم باید عنایت هر درس نقشه ای که لازمست روی تخته سیاه بکشد و مطلب را بشاگرد بپهاند و الا درس تاریخ بدون نقشه مبهم خواهد بود و استفاده ای که از آن باید بردعاید نخواهد شد

چیزی که بنش از همه شاگرد را ترعبت بهمین و
 آراء و آثار ملی یاد گرفتن میکند یادکارهای تاریخی و آثار
 ملی است که در حول و حوش مسکن مقرر گرفته است
 یادکارهای تاریخی اگر بشاگرد ارائه شود و آنچه در کلاس گفته شده
 در مقابل یادکارها تکرار شود و در این محسوس گردد گذشته بطرش محسوس
 میشود و اشخاص گذشته در بطرش رنده مینماید و این نوع درس هم بهتر
 بهمینده میشود و هم شاگرد رو در آن را فرا میگردد در هر محلی کم و بیش
 آثار ملی ارقبل ائمه تاریخی و قصور سلاطین و مساجد و بل و دروازه و
 حندق و مراات و کتابخانه و عزم یافت میشود معلم تاریخ باید این
 امر را عنیت سمارد و بردگترین استفاده را از آن آثار بنماید هر وقت
 در درس تاریخ تعری رسید که مربوط بود یادکارهای تاریخی که در
 محل هست باید شاگردان خود را بدان جا برد و توضیحاتی نا بها بدهد و در
 صورت لزوم حرسی که داده شده نمیدد کند در دوره اول متوسطه باید
 ملاحظات صعی که در ضمن تاریخ ممدن و صنایع مستطرفه گفته در نای
 ائمه تکرار و در روی آنها ارائه کند و در صورتیکه در سهر موره
 یافت شود بر معام دوره اول متوسطه فرص است که شاگردان خود را